

بررسی تحلیلی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جوانان در گلستان سعدی براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*

ویدا ساروی^۱

عارف کمربشتی^۲

چکیده

ایران مهد ادب و فرهنگ و سجایای اخلاقی است. توجه به لزوم اخلاق از دیرباز مورد عنایت فرزندان بوده است. در این میان شاعرانی بودند که علاوه بر تکیه به نکات اخلاقی و اجتماعی، به عنوان یک جامعه‌شناس به اجتماع اطراف خود نگاه می‌کردند. سعدی یکی از آن دسته شاعرانی است که در این حیطة گوی سبقت را از هم طرازان خود ربوده است. او همچون جامعه‌شناسی آگاه به ریشه‌یابی آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد و آموزه‌های دینی و اخلاقی خود را به زبانی ساده برای اقشار مختلف مردم به خصوص جوانان بیان می‌کند. گلستان سعدی دایره‌المعارفی از نظریه‌های جامعه‌شناسی است. این کتاب، سال‌ها در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد، تا در دو وجه عبرت و نزهت مد نظر جوانان باشد. از آنجا که در دو باب آخر این شاهکار ادبی به بیش از نود مورد مسائل اخلاقی، اجتماعی، انسانی و تربیتی اشاره شده است، سعی شده است تا در این مختصر به برخی از آن نکات اشاره و با دو سه نظریه‌ی جدید جامعه‌شناسی معاصر قیاس شود.

کلید واژه: سعدی، گلستان، اخلاق، جوانان، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

۱- دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسؤل) s1351v@yahoo.com

۲- استادیار واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران arefkamarposhti@gmail.com

۱- مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی معرفت به شمار می‌رود که در پی یافتن و فهم چارچوب‌های اجتماعی در آثار ادبی است و با نقد ادبی تفاوت دارد؛ چون آنچه در نقد مهم است خصوصیات زیبایی‌شناختی اثر است (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۹). می‌دانیم که از آغاز زبان فارسی، شاعران و نویسندگان بزرگی به موضوع اخلاق پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد از میان شاعران کلاسیک زبان فارسی، سعدی بیش از همه از معرفت جامعه‌شناسی برخوردار باشد. در آثار وی از همه‌ی اقشار مردم، خلق و خو، طریقت، شیوه‌ی زندگی و... صحبت به میان آمده است. اگر ژرف‌تر به گلستان و بوستان وی نگاه کرده شود، او را جامعه‌شناسی خواهیم یافت که نه تنها در زمان خود، که تاکنون نیز نگاه جامعه‌شناسانه‌ی وی باعث اعجاب مخاطبانش گشته است. نقد جامعه‌شناسانه‌ی سعدی، از شناخت عمیق و دقیق او از اجتماع خود حکایت دارد. یکی از دلایل اصلی این شناخت، مسافرت‌های طولانی اوست که وی را واداشته است تا با تمام اقشار مردم زندگی کند. حشروشنر سعدی با تمام اقشار جامعه به او کمک کرده است تا دنیای برون و درون کشورهایی را که دیده است برای مخاطبان خویش به تصویر بکشد. درحقیقت گلستان مجموعه‌ای از تجربیات و مشاهدات جامعه‌شناسانه‌ی سعدی است که به شیواترین طریق و رساترین قلم نوشته شده است. شناخت عمیق او از اجتماع عصر خویش از او انسانی آگاه، مدبّر، باتجربه، جهان‌دیده، روشنفکر و معلمی دلسوز و پدري مهربان ساخته است. «سعدی در این کتاب انسان را با دنیای او و با همه‌ی معایب و محاسن و با تمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود اوست، تصویر می‌کند. در دنیای گلستان زیبایی در کنار زشتی و اندوه در پهلوی شادی است و تناقض‌هایی هم که عیب‌جویان (دشتی، ۱۳۵۶، ۲۴۶) در آن یافته‌اند تناقض‌هایی است که در کار دنیاست. سعدی چنین دنیایی را که پر از تناقض و تضاد و سرشار از شگفتی و زشتی است در گلستان خویش توصیف می‌کند و گناه این تناقض‌ها و زشتی‌ها هم بر او نیست بر خود دنیاست. نظر سعدی آن است که دنیا و انسان را آن چنان که هست توصیف کند نه آن چنان که باید باشد» (زرین‌کوب به نقل از یوسفی، ۱۳۶۹، ۳۰). «سعدی سخنگوی زندگی است و شاید بتوان به پرداخت‌های تصویر گونه‌ی اشعارش نام نقّاشی نهاد. نقّاش زندگی! سخنش از دل زندگی بر می‌خیزد و بر دل زندگی می‌نشیند و این خود ویژگی بزرگ شعر سعدی است» (رقابی، ۱۳۶۹، ۱۳۵). شیوه‌ی اخلاق‌نگری او در قصاید، مديح و حتی در غزلیاتش به چشم می‌خورد؛ زیرا او شاعری است اخلاقی و نمی‌تواند در نظم و نثر خود از این مقوله جدا باشد. او با نثر ظریف، کلام شیرین، سبک فصیح، ذوق سرشار، استفاده از فرهنگ غنی اسلامی به خصوص قرآن و تجارب بسیار از مسافرت‌هایش توجه جوانان را به خود معطوف کرده و همچون پدری دلسوز و معلمی مهربان به پند و اندرز جوانان پرداخته و در دوره‌ای که خفقان به اوج خود رسیده بود، زیرکانه زبان به انتقاد از اجتماع و باورهای غلط گشوده بوده است. سعدی را می‌توان از معدود شعرایی به حساب آورد که آشکارا زبان به

نصیحت پادشاهان می‌گشاید. زبانش در نصیحت پادشاهان آن قدر تند است که رنگ و بوی توییخ و تهدید از آن به مشام می‌رسد:

کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای	به نوبتند ملوک اندر این سپنج سرای
چو دور عمر به سر شد در آمدند از پای	چه مایه بر سر این ملک سروان بودند
بنای خانه گناندن بام قصر اندای	«درم به جورستانان زر به زینت ده»
نه عودسوز به کار آیدت نه عنبرسای....	عمل بیار که رخت سرای آخرت است

(سعدی، ۱۳۷۰: ۱۵۹)

این مقاله تلاش می‌کند تا در آغاز، با آوردن نمونه‌های کوتاهی از گلستان، آرای سعدی را براساس نظریه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی دورکیم، جامعه‌پذیری و تعهد اجتماعی (کارکردگرایی) پارسونز و تأمل‌گری اجتماعی گیدنز تجزیه و تحلیل کند. بعد از آن مهم‌ترین اندیشه‌های سعدی - که نگرشی عام به مسائل روز جامعه و جوانان است - بیش‌تر از باب هفتم و هشتم گلستان آورده می‌شود.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی سعدی و آثار او کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات ارزشمندی نوشته شده است که از آن میان می‌توان به این آثار اشاره کرد:

۱- تحقیق درباره‌ی سعدی، نوشته‌ی هانری ماسه، ترجمه‌ی غلامحسین یوسفی و محمدحسن مهدوی اردبیلی، نشر توس، چاپ دوم ۱۳۶۹. در این کتاب نویسنده در سه بخش به معرفی سعدی و آثارش پرداخته است. بخش اول درباره‌ی زندگی سعدی است. بخش دوم راجع به اندیشه‌ی اوست و بخش سوم به تجزیه و تحلیل آثار وی اختصاص یافته است. از بخش‌های مهم این کتاب می‌توان به کتاب‌شناسی مربوط به سعدی اشاره کرد. در بخش دوم و فصل اول آن، نویسنده مطلبی تحت عنوان «مرد اجتماعی» آورده است که به تجزیه و تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی سعدی در گلستان، بوستان و موعظ پرداخته است.

۲- مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی که به وسیله‌ی منصور رستگار فسایی جمع‌آوری و تدوین شده و از سوی انتشارات امیرکبیر برای سومین بار منتشر گشته است. چاپ اول و دوم این کتاب از سوی انتشارات دانشگاه شیراز انجام شده بود. این مجموعه مقالات، مجموعه سخنرایی‌های ارزنده‌ای است که در تاریخ ۱۱-۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۰ در کنگره‌ی جهانی سعدی و حافظ در شیراز برگزار شده بود. در این کتاب نیز مقاله‌ای با نگاه جامعه‌شناسی معاصر به آثار سعدی دیده نشده است.

۳- سلسله‌ی موی دوست، مجموعه مقالات برگزیده درباره‌ی سعدی و آثار اوست. این کتاب به همت کاووس حسن لی از سوی انتشارات هفت اورنگ در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است. بخش درخور توجه این کتاب بازکاوی تأثیر سعدی بر شاعران و اندیشمندان بزرگ اروپایی است که بیش از ۱۸۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است.

۴- نگاهی جامعه‌شناسانه به گلستان سعدی، نوشته امید علی احمدی که به عنوان طرحی پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان به اجراء در آمده است. نویسنده در این کتاب، هشت باب گلستان را بر اساس موضوعات اصلی و فرعی آن با نشان‌دادن جدول‌های مختلف و جامعه‌ی آماری تجزیه و تحلیل کرده است.

۵- ذکر جمیل سعدی سعدی، مجموعه سه جلدی مقالاتی است که به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد سعدی به وسیله‌ی کمیسیون ملی یونسکو در ایران گردآوری و منتشر شده است. در جلد دوم این مجموعه مقالات، مقالاتی با موضوع سعدی و اخلاق و تعلیم و تربیت آمده است. از دیگر کتاب‌ها می‌توان این آثار را نام برد: سعدی، نوشته ضیاء موحد، طرح سعدی در غزل، از سعید حمیدیان، منتبئی و سعدی از حسین‌علی محفوظ و تا آنجا که پژوهشگران جستجو کرده‌اند، در هیچ یک از منابع موجود، آثار سعدی براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر سنجیده نشده است.

۳- چارچوب نظری پژوهش

۳-۱- امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)

وی یکی از بزرگترین جامعه‌شناسان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است که نظریاتش درباره‌ی انسجام اجتماعی و انواع خودکشی در جامعه، هنوز خوانندگان خاص خود را دارد. از نظر دورکیم، اصلی‌ترین دغدغه‌ی فکری جامعه‌شناسی، مطالعه‌ی وقایع اجتماعی است. جامعه‌شناسان به جای آن که روش‌های جامعه‌شناختی را برای مطالعه‌ی افراد به کار بندند، باید وقایع اجتماعی را بررسی کنند؛ یعنی جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی که به کنش‌های ما در مقام افراد شکل می‌دهند مثل وضعیت اقتصادی یا تأثیر دین. به نظر وی جامعه چیزی بیش از کنش‌ها و منافع و علایق اعضای خویش است. او معتقد است که وقایع اجتماعی عبارت‌اند از شیوه‌های عمل‌کردن، اندیشیدن یا احساس کردنی که نسبت به افراد بیرونی هستند و بیرون از زندگی و ادراکات، افراد، واقعیتی مختص به خویش دارند. از دیگر خواص وقایع اجتماعی این است که آنها نیرویی جبریی بر افراد وارد می‌کنند اما مردم این ماهیت مقیدکننده‌ی وقایع اجتماعی را غالباً نیرویی جبری تشخیص نمی‌دهند؛ زیرا مردم عموماً آزادانه از وقایع اجتماعی متابعت می‌کنند و معتقدند که بنا به انتخاب خود و اختیار خویش عمل می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۱، ۱۴-۱۵).

به نظر دورکیم آن چیزی که جامعه را سرپا نگه می‌دارد و آن را از سقوط به قعر آشوب حفظ می‌کند، انسجام اجتماعی و اخلاقی است. انسجام زمانی حفظ می‌شود که افراد باموفقیت در گروه‌های اجتماعی ادغام و با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آداب و رسوم مشترک هدایت شوند. وی بنای انسجام را بر تقسیم کار استوار می‌داند و آن را به دو نوع تقسیم می‌کند؛ انسجام مکانیکی و انسجام ارگانیکی که اولی در جوامع سنتی که تقسیم کار ناچیزی دارند رواج دارد. به نظر وی انسجام مکانیکی بر پایه‌ی وفاق و همسانی عقاید استوار است. انسجام ارگانیکی نتیجه‌ی صنعتی شدن جامعه است که دربرگیرنده‌ی تخصصی شدن وظایف و تمایزهای فزاینده‌ی اجتماعی است. وی نظم را بارزترین مشخصه‌ی انسجام ارگانیکی در جوامع صنعتی می‌داند. وی عقیده دارد جوامعی که انسجام ارگانیکی دارند به دلیل وابستگی اقتصادی مردم به یکدیگر و تشخیص و تصدیق اهمیت سهم و نقش دیگران، سرپا می‌مانند. همراه با گسترش تقسیم کار، وابستگی مردم به یکدیگر بیشتر و بیشتر می‌شود؛ چون هرکس نیازمند کالا و خدماتی است که سایر مشاغل عرضه می‌کنند. روابط و مناسبات متقابل اقتصادی و وابستگی دوسویه، جایگزین عقاید مشترک در ایجاد وفاق اجتماعی می‌شود (همان: ۱۵-۱۶).

۳-۲- آنتونی گیدنز (۱۹۳۸)

آنتونی گیدنز مهمترین و بانفوذترین نظریه پرداز اجتماعی انگلستان و جهان در دوره‌ی معاصر است. وی زندگی کردن در عصر اطلاعات را به معنی افزایش تأمل‌گری اجتماعی (reflexivity) می‌داند. از نظر وی تأمل‌گری اجتماعی به این واقعیت اشاره می‌کند که ما مجبوریم پیوسته و بی‌وقفه درباره‌ی اوضاع و شرایط زندگی مان فکر یا تأمل کنیم. در ایامی که جوامع بشری به رسم و سنت بستگی بیشتری داشتند، مردم می‌توانستند از روش‌های مرسوم و ثابتی پیروی کنند که کارها را به شیوه‌ی غیر تأملی‌تری به انجام می‌رساند (همان: ۹۸۲). به نظر می‌رسد گیدنز با طرح کردن نظریه‌ی تأمل‌گری اجتماعی، توانسته است بیش از هر نظریه پرداز دیگری به صورت ناخودآگاه بر روی تک تک افراد تأثیر بگذارد؛ چراکه اندیشیدن مداوم به اوضاع و شرایط زندگی، دغدغه‌ی فکری بشر امروز است. سعدی نیز در سرتاسر گلستان با طرح کردن حکایت‌های دل‌انگیز، انسان آن زمان و امروزی را به تأمل وادار می‌کند که در مبحث بررسی و تحلیل نظریه‌ها به آنها اشاره خواهد شد.

۳-۳- تالکت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹)

تالکت پارسونز از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی در آمریکاست که به واسطه پرورش شاگردانش که بعدها نظریه پردازان بزرگی شدند و همین‌طور نظریه‌ی کارکردگرایی بسیار معروف شده

است. منظور از کارکرد در جامعه‌شناسی، مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. پارسونز با توجه به این تعریفی که از کارکرد ارائه شده است معتقد است که چهار تکلیف وجود دارد که برای همه‌ی نظام‌ها ضرورت دارند: ۱- تطبیق: یعنی هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته تطبیق دهد. به عبارت دیگر باید محیط را با نیازهای خودش سازگار کند. ۲- دست‌یابی به هدف: یعنی یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد. ۳- یکپارچگی؛ یعنی هر نظام باید روابط متقابل سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه‌ی میان چهار تکلیف کارکردیش سر و صورتی بدهد. ۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظام باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده‌ی این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند (ریترز، ۱۳۹۲، ۱۳۱). از نظر پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست‌کم جنبه‌های فیزیکی یا محیطی دارد با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران برحسب گرایش به «ارضای مطلوب» برانگیخته می‌شوند و رابطه‌شان و موقعیت‌هایشان و همچنین با همدیگر، برحسب و به واسطه‌ی یک نظام ساختاربندی شده‌ی فرهنگی و نمادهای مشترک، مشخص می‌شود (همان: ۱۳۵).

۴- بحث و بررسی

۴-۱- سعدی و نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر

با توجه به آن چه که درباره‌ی نظریه‌های مطرح‌شده به وسیله‌ی نظریه‌پردازان معاصر در بخش چارچوب نظری پژوهش مطرح شد، به نظر می‌رسد سعدی مجموعه‌ای از دایره‌المعارف نظریه‌های اجتماعی است. با خوانش ابیات و عباراتی از این دست:

سخندان پرورده، پیر کهن	بیندیشد، آنگه بگوید سخن
مزن بی تأمل به گفتاردم	نکو گو و گر دیر گویی چه غم؟
بیندیش و آنگه برآور نفس	وز آن پیش بس کن که گویند بس
به نطق آدمی بهتر است از دواب	دواب از تو به، گر نگویی صواب

(سعدی، ۱۳۶۹، ۵۶)

و یا

اول اندیشه وانگهی گفتار پای بست آمده ست و پس دیوار (همان: ۵۶)

یا

اندیشه کردن که چه گویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. (همان: ۵۶) و یا

سخن را سر است ای خداوند و بُن	میاور سخن در میان سخن
خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش	نگوید سخن تا نبیند خموش (همان: ۱۳۰)

پژوهشگر امروزی به نظریه‌ی جامعه‌شناسی تأمل‌گری اجتماعی آنتونی گیدنز چشم می‌دوزد که بشر برای تغییر اوضاع و شرایط اجتماعی خویش، مدام در حال اندیشه و تفکر است. سعدی در ابیات و عباراتی که نفل شد چگونه سخن گفتن را به مخاطب خویش آموزش داده است. برایش تفاوتی ندارد که مخاطب او چه کسی باشد. عموماً مخاطبان این دسته از سخنوران- که برای ساختن مدینه‌ی فاضله لب به سخن می‌گشایند- عموم مردم هستند.

جامعه‌شناس امروزی، وقتی حکایت سوم از باب اول گلستان (در سیرت پادشاهان) را می‌خواند، آن را منطبق بر آرای جامعه‌شناسی تالکت پارسونز می‌یابد؛ چراکه کارکردگرایی پارسونز، مجموعه فعالیت‌هایی است که برای برآوردن نیازهای یک نظام انجام می‌گیرد و دارای چهار تکلیف است: ۱- تطبیق: یعنی هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته تطبیق دهد. به عبارت دیگر باید محیط را با نیازهای خودش سازگار کند. ۲- دستیابی به هدف: یعنی یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد. ۳- یکپارچگی؛ یعنی هر نظام باید روابط متقابل سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه‌ی میان چهار تکلیف کارکردیش سر و صورتی بدهد. ۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظام باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده‌ی این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند (ریترز، ۱۳۹۲: ۱۳۱). در این حکایت ملک‌زاده‌ی کوتاه قد و حقیر به عنوان یک کنشگر از مجموعه‌ی کنشگران (شاهزادگان بلندقامت و خوبروی) در قبال وظیفه‌ای که به او محول شده بود احساس مسئولیت کرد و توانست بر دشمن پیروز شود. در بخش تطبیق از چهار تکلیف پارسونز در این حکایت گلستان مشاهده می‌شود «...وقتی دشمنی صعب روی نمود. چون لشگر از هر دو طرف روی در هم آوردند اول کسی که اسب در میدان جهانید این پسر بود و گفت:

آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من
 آن منم گر در میان خاک و خون بینی سری
 کان که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند
 روز میدان، وان که بگریزد به خون کشوری»
 (سعدی، ۱۳۶۹، ۵۹-۶۰)

جوان خودش را با برترین نیاز نظام= دفاع از نظام، تطبیق داد و در برابر دشمن جامه‌ی رزم پوشید. همین‌جوان وقتی عده‌ای از سربازان خودی قصد گریز داشتند با گفتن جمله‌ی «ای مردان بکشید یا جامه‌ی زنان بپوشید» (همان: ۶۰) کنشگران دیگر را یکپارچه می‌کند تا در برابر دشمن ایستادگی کنند و در نهایت به هدفشان که پیروزی بر دشمن بوده است، دست یابند. در ادامه‌ی همین حکایت، خواهر و پدر همین ملک‌زاده به عنوان کنشگرانی که باید چنین الگویی را حفظ کنند، وارد نظام کارکردی خود می‌شوند؛ خواهر با برهم زدن پنجره برادر خود را از خوردن جام زهرآلود باخبر می‌کند و پدر با دادن حکمرانی‌های جداگانه به هر یک از فرزندان، نزاع و کشمکش را پایان می‌دهد. کارکرد این دو کنشگر از زبان سعدی

خواندنی‌تر است: «...برادران حسد بردند و زهر در طعامش کردند. خواهرش از غرفه بدید، دریچه برهم زد. پسر دریافت و دست از طعام بازکشید و گفت: محال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند.... پدر را از این حال آگهی دادند. برادرانش را بخواند و گوشمالی بواجب بداد. پس هر یک را از اطراف بلاد حصه‌ای مرضی معین کرد تا فتنه بنشت و نزاع برخاست» (همان: ۶۰).

در حکایت ۷ از ص ۸۹ باب دوم گلستان، با پدری روبرو می‌شویم که جوان خود را به خویشتن داری و عیب‌جویی نکردن از مردم نصیحت می‌کند. در واقع، سعدی در حکایت‌هایی که به زبان اول شخص مفرد نقل می‌کند، به عنوان دانای کل، فضای جامعه را ترسیم می‌سازد. بعد به عنوان جامعه‌شناسی که درد جامعه را تشخیص داده باشد، نسخه‌ی شفابخشی می‌پیچد. در این حکایت نسخه‌ای که برای این جوان پیچیده شده است این است که: «جان پدر تو نیز اگر بخفتی به که در پوستین مردم افتی».

اگرچه در این داستان، فریضه‌ی نماز صبح از گروهی که در اطراف سعدی و پسرش خوابیده بودند، ترک شده بود، ولی سعدی با گفتن جمله‌ی فوق پسرش را از رفتاری نابهنجار و منحرف باز داشته است و آن غیبت‌کردن و عیب‌جویی کردن از دیگران است. در دو بیت پایانی همین حکایت، گویا سعدی، وظیفه‌ی پدری خویش را انجام داده و اینک زمانی فرا رسیده است که باید خطاب به عموم جامعه سخن گوید:

که دارد پرده‌ی پندار در پیش

نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش»

«نبیند مدعی جز خویشتن را

گرت چشم خدایی ببخشد

۴-۲- سعدی و هنجارهای اجتماعی

هنجار یکی از مفاهیم اصلی و مرکزی در علم جامعه‌شناسی است که با دانستن و ارزشگذاری روی آن‌ها می‌توان درباره‌ی اجتماعی نظر داد. «هنجار واژه‌ای است که برای کلمه‌ی نرم (norm) به کار برده شده است. نرم از زبان لاتین و یونانی به معنای مقیاس است با این مفهوم که هر جزئی که بخواهد در یک شبکه‌ی کلی تر قرار گیرد باید با آن شبکه جور و مقیاسش با آن متناسب باشد» (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸۰). در حقیقت باید گفت که هنجارها عواملی هستند که روابط اجتماعی را تنظیم می‌کنند و نظم اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورند. شاید بتوان از هنجارها به «توتم و تابو» تعبیر کرد؛ یعنی شایست و نشایست. فعالی که تمام سعی سعدی در گلستان به، به تصویرکشیدن وجوه واقعی این دو فعل خلاصه شده است. به عبارتی دیگر باید گفت، هنجار و نقطه‌ی مقابل آن؛ یعنی نابهنجار، همان بایدها و نبایدهایی است که والدین در اعصار مختلف با توجه به شرایط خاص عصر خویش، فرزندان را به انجام آنها توصیه کرده یا بازداشته‌اند. فرزندان نیز به صورت تسلسل آنها را نسل به نسل انتقال داده‌اند تا بتوانند فرزندان خود را از رفتارهای انحراف‌آمیز باز دارند. از نظر رفیع‌پور (۱۳۸۰: ۲۱۹) هنجارها را می‌توان به درونی و بیرونی

تقسیم کرد. « هنجارهای درونی، هنجارهایی هستند که ما آن‌ها را درونی (internalized) کرده‌ایم و کسی به ما درباره‌ی آن، قاعده یا دستوری نداده است. ما خود به خود و بدون احساس اجبار بیرونی، از درون خود را موظف به پیروی از آن می‌دانیم و با میل خود آن را رعایت می‌کنیم. مثل پوشیدن لباس سیاه در مجلس ختم و عزاداری و ... هنجارهای بیرونی، آن هنجارهایی هستند که از بیرون (نه بطور خودجوش از بین مردم) از جانب یک قدرت مافوق برای اعضای جامعه به صورت نوشته در قالب قوانین و آیین‌نامه‌ها تعیین شده است بدون آن که همه‌ی اعضای جامعه در تعیین آنها مشارکت جمعی داشته باشند. مانند قوانین راهنمایی و رانندگی و ...». هنجارها را می‌توان از منظر ماندگاریشان در جامعه، به دو دسته‌ی هنجارهای پایدار و ناپایدار تقسیم کرد. ناپایدار مثل مُد (mode) و پایدار مثل سنت (tradition) (همان: ۲۲۴). براین اساس می‌توان گفت در جوامع سالم، هنجارها پایدارتر و به اعتباری به «تابو» نزدیک‌ترند. براساس آنچه درباره‌ی هنجار گفته شده است، می‌توان نمونه‌های فراوانی را در آثار سعدی به ویژه گلستان مشاهده کرد. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

۴-۲-۱- حرمت نهادن به معلّم و بزرگ تر

در حکایت ۲۷ از باب اول گلستان آمده است که یکی در فن کُشتی گرفتن مهارت فراوانی داشت به گونه‌ای که سیصد و شصت فن می‌دانست. سیصد و پنجاه و نه فن را به یکی از شاگردانش - که او را دوست می‌داشت - آموخت و در آموزش فن آخر تعلل می‌کرد. پسر پیش پادشاه وقت رفت و ادعا کرد و گفت: « استاد را فضیلتی که بر من است از روی بزرگی است و حق تربیت و گرنه به قوت از او کمتر نیستم و به صنعت با او برابرم» پادشاه این سخن جوان را ترک ادب دانست و دستور داد تا کُشتی بگیرند. استاد به واسطه‌ی آن یک فن برجوان غالب شد. پادشاه استاد را «نعمت و خلعت داد و جوان را زجر و ملامت کرد که با پرورانده‌ی خود دعوی کرد و به سر بُرد» جوان در توجیه شکست خود گفت: استادم به زورآوری بر من پیروز نشد بلکه یکی از فنون کُشتی را به من نیاموخت. سعدی در این بخش از حکایت - که نقطه‌ی اوج آن است - به عنوان حکیم وارد داستان شده و می‌گوید: « از برای چنین روزی نگاه می‌داشتم که حکما گفته‌اند: دوست را چندان قوت مده که اگر دشمن گردد بر تو غالب شود». اگرچه سعدی، در پایان این حکایت و حکایت‌های دیگر گلستان، به نتایجی که منظور نظر اوست اشاره می‌کند؛ ولی خواننده‌ی حکایت را به تأمل و درنگی طولانی وا می‌دارد. به نظر می‌رسد بعد از خوانش داستان، ترسی در دل مخاطب می‌افتد که هیچ‌گاه چنین رفتار نابهنجاری از او سرنخواهد زد. این هنر سعدی، از قدرت قلم، اندیشه و شناخت عمیق او نسبت به جامعه نشأت گرفته است. در حقیقت این گونه رفتار شاگرد نسبت به معلم، نوعی «انحراف» خواننده می‌شود. در تعریف انحراف گفته شده است: « هرگونه

رفتاری که با چشمداشت‌های جامعه یا گروه معینی در داخل جامعه تطبیق نداشته باشد» (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۶۰). گاهی اوقات معلمین جامعه‌ی سعدی دوستانی هستند که عیوب را به بهترین وجه گوشزد می‌کنند. حکایت ۱۲ باب چهارم گلستان از این دسته است:

از صحبت دوستی برنجم	کاخلاق بدم حسن نماید
عیب هنر و کمال بیند	خارم گل و یاسمن نماید
کو دشمن شوخ چشم ناپاک	تا عیب مرا به من نماید
	(سعدی، ۱۳۶۹: ۱۳۱)

در برخی دیگر از حکایت‌های گلستان سعدی، می‌توان نقش معلم را به عنوان مصلحی که هدفی دراز مدت را دنبال می‌کند، مشاهده کرد: حکایت ۲ ص ۱۵۴، حکایت ۴ ص ۱۵۵-۱۵۶، حکایت ۶ ص ۱۵۷، و ... از این دسته‌اند. چکیده‌ی نظر سعدی را درباره‌ی ارزش معلم و ارج نهادن به کار او می‌توان در دوبیت زیر از گلستان به نظاره نشست:

پادشاهی پسر به مکتب داد	لوح سیمینش بر کنار نهاد
بر سر لوح او نبشته به زر:	جور استاد به که مهر پد(همان: ۱۵۶)

۴-۲-۲- ریاستیزی سعدی، ارزشی انکار ناپذیر

ریا، نفاق یا کفر پنهان یکی از بارزترین صفات منفی است که در اعصار گوناگون و در نزد همه‌ی اقوام و ملل مورد نکوهش واقع شده است. ریا کلمه‌ای است عربی. در فرهنگ معین آمده است: «به نیکوکاری تظاهر کردن، خود را پاک دامن جلوه‌دادن، دو رویی، نفاق. ترک اخلاص است در عمل به آن که غیر خدا را لحاظ کند» (۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷۰۰). این صفت در آیات مختلف قرآن نیز بارها مورد تدقیق واقع شده است. به عنوان نمونه به یکی دو آیه از سوره‌ی بقره اشاره می‌شود: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ». ترجمه: و گروهی از مردم منافق گویند که ما ایمان آورده ایم به خدا و روز قیامت و حال آنکه ایمان نیاورده‌اند (آیه ۸). «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ». ترجمه: «منافقان» می‌خواهند تا خدای و اهل ایمان را فریب دهند و حال آنکه فریب ندهند مگر خود را و این را سفاهت نمی‌دانند. (آیه ۹) در ادامه‌ی همین سوره تا آیه ۲۰، خداوند برخی از مشخصه‌های منافقان را بازگو کرده است.

سعدی در گلستان، به زیبایی هرچه تمام تر پرده از روی ریاکاران برمی‌دارد و چهره‌ی واقعی آنان را نشان می‌دهد. مصداق این سخن حکایت ششم از باب دوم گلستان است:

«زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او بود تا ظن صلاح در حق او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی
 کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است
 چون به مقام خویش باز آمد سفره خواست تا تناولی کند. پسری داشت صاحب فراست. گفت: ای
 پدر، باری به دعوتِ سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که بکار آید. گفت نماز را
 هم قضا کن که چیزی نکردی که بکار آید.

ای هنرها گرفته بر کف دست
 عیب‌ها برگرفته به زیر بغل
 تا چه خواهی خریدن ای مغرور،
 روز درماندگی به سیم دغل» (۸۸-۸۹)
 گویا سعدی در این حکایت، از زبان پسر، پدر ریاکار را رسوا می‌کند. چنین بینش و نگرش دقیقی
 نسبت به افشار مختلف جامعه، از شناخت عمیق سعدی نشأت می‌گیرد، به گونه‌ای که مخاطب دچار
 تردید می‌شود که شاید قهرمان چنین حکایت‌هایی خودِ سعدی باشد. در حکایتی دیگر، به گونه‌ای دیگر،
 ریاکار را رسوا می‌کند:

« عابدی را پادشاهی طلب کرد. عابد اندیشید که دارویی بخورم تا ضعیف شوم، مگر اعتقادی که در
 حق من دارد زیادت شود. آورده اند که داروی قاتل بخورد و بمُرد.

آنکه چون پسته دیدمش همه مغز
 پوست بر پوست بود همچو پیاز
 پارسایان روی در مخلوق
 پشت بر قبله می‌کنند نماز» (همان: ۹۳).
 مسافرت‌های طولانی و نشست و برخاست با گونه‌های مختلف افشارجامعه، از سعدی جامعه
 شناسی کامل و منحصر به فرد ساخته است. به نظر ما اگر سعدی به غیر از بیت پایانی همین حکایت، در
 جایی دیگر از ریاکاران حرفی نمی‌زد، باگفتن همین یک بیت، از چهره‌ی واقعی ریاکاران عصر خویش و
 حتی تمامی اعصار پرده برداشته است؛ یعنی پارسایی که به مخلوق روی می‌آورد به خدا پشت می‌کند.

بسیاری از اسامی که سعدی برای باب‌های کتاب گلستان و بوستان خود برگزیده است، درحقیقت
 ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که وی به عنوان مبلّغی بزرگ قصد دارد آن‌ها را رواج دهد. باب‌هایی
 مثل «در فضیلت قناعت» باب سوم از گلستان، یا «در فواید خاموشی» باب چهارم از گلستان. این ویژگی
 در بوستان -که مدینه فاضله یا آرمان‌شهر اوست- نمود بیش‌تری دارد. شنیدن معرفی باب‌های بوستان از
 زبان او زیباتر است:

« یکی باب عدل است و تدبیر و رای
 نگاهی خلق و ترس خدای
 دوم باب احسان نهادم اساس
 که منعم کند فضل حق را سپاس
 سوم باب عشق است و مستی و شور
 نه عشقی که بندند بر خود به زور
 چهارم تواضع، رضا، پنجمین
 ششم ذکر مرد قناعت گزین
 به هفتم در از عالم تربیت
 ششم در از شکر بر عافیت

نهم باب توبه است راه صواب
دهم در مناجات و ختم کتاب»
(سعدی، ۱۳۷۲: ابیات ۱۰۷-۱۱۲)

۳-۴- سعدی، معلم اخلاق

از آن جایی که سعدی در یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های جهان اسلام عصر خویش (نظامیه‌ی بغداد) درس خوانده، معدن فضیلت‌هایی گشته است که مخاطبانش، آنها را در آثارش به وضوح مشاهده می‌کنند. سعدی سرچشمه همه خوشی‌ها را جان می‌شمارد، لذات معنوی را بر لذات جسمانی - که دوام و بقا ندارد- ترجیح می‌دهد. او همواره به جوانان می‌گوید اخلاق و پاکی نیت را هم در علم و هم در عمل به کار گیرید و توصیه می‌کند که جز به خدا نظر نداشته باشید. وی تأکید می‌کند تا وقتی جوان از غبار هوی و شهوت نفسانی پاک نشود، به حقیقت که سرچشمه روشنی است نایل نخواهد شد. بدین گونه اخلاق در نظر وی وسیله‌ای می‌شود برای تهذیب و تربیت که شریعت و طریقت ناظر بدان است. سعدی مرد کامل را کسی می‌داند که جامع صورت و معنی باشد. از زندگی و زیبایی‌های آن محروم نباشد و یکسره خود را به زهد خشک تسلیم نکند و اصول شریعت را در جای جای زندگی خود به کار گیرد. او می‌گوید جوان باید در اجتماع باشد و پاک زندگی کند و خدا را هر لحظه بالای سر خود ببیند، به دیگران نیکی کند، دست هم‌وعش را بگیرد، راز دار باشد، با دیگران همدردی کند، با ظلم و بدی بجنگد، انتقاد سازنده داشته باشد اما کسی را تخریب نکند و... به طور کلی سعدی به سه مقوله تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن برای هدایت جوانان جامعه‌اش به سوی سعادت، توجه داشته است. همه‌ی این حرف‌ها و جملات قصار، گفته‌ی بزرگ مردی است که باید در میان شاعران و نویسندگان پارسی او را به حق معلم اخلاق نامید. سعدی در دو باب هفتم و هشتم گلستان (در تأثیر تربیت و آداب صحبت) بیش از هر باب دیگر، به تعلیم و تربیت و نصیحت پرداخته است. در این جا به برخی از آن نکات اخلاقی خطاب به جوانان اشاره می‌شود. درحقیقت، عباراتی که بعد از این، از گلستان سعدی آورده می‌شود، عصاره و چکیده‌ی اندیشه‌ی های اوست که مخاطبش عام است.

۳-۴-۱- سعدی و اصالت خانوادگی

به نظر می‌رسد آن چه برای سعدی در اصیل بودن یک خانواده اصل است، پذیرش و پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهایی است که در کانون خانواده مطرح است. بنابراین وی اعتقاد دارد، جوان اصیل خطاهایش کمتر است:

«یکی را از وزرا پسری کودن بود پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی می‌کن مگر عاقل شود، روزگاری تعلیم کردش و مؤثر نبود ...
چون بود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد
 آهنی را که بد گوهر باشد
 سگ به دریای هفت گانه بشوی
 که چو تر شد پلید تر باشد
 خر عیسی گرش به مگه برند
 چون بیاید هنوز خر باشد» (باب هفتم: ۱۵۴)

۴-۳-۲- تعادل در برخورد

سعدی با گفتن اشعار و عبارات زیر، خود را انسانی میانه رو و معتدل معرفی می‌کند و بر این باور است که:

درشتی و نرمی به هم در به است
 چو فاصد که جراح و مرهم نه است
 درشتی نگیرد خردمند پیش
 نه سستی که نازل کند قدر خویش
 نه مر خویشان را فزونی نهد
 نه یکباره تن در مذلت دهد
 جوانی با پدر گفت ای خردمند
 مر تعلیم ده پیرانه یک پند
 بگفتا نیک‌مردی کن نه چندان
 که گردد خیره گرگ تیزدندان (باب هشتم: ۱۷۳)
 خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از توسیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند. (همان: ۱۷۳).

۴-۳-۳- سعدی و نتیجه عاقبت نگری و حسن تدبیر و عدم عاقبت نگری

سعدی این مورد را جزء اساسی‌ترین اصل از اصول زندگی می‌داند. در دیباچه‌ی گلستان نیز از زبان لقمان چنین گفته است: «لقمان را گفتند: حکمت از که آموختی؟ گفت: از نابینایان که تا جای نبینند پای نهند. قَدَمَ الخُرُوجِ قَبْلَ الوُلُوجِ (همان: ۵۶). سعدی در دو باب هفتم و هشتم در بیش از ۲۲ مورد به این موضوع پرداخته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

گر چه دانی که نشنوند بگوی
 هر چه دانی ز نیک خواهی و پند
 زود باشد که خیره سر بینی
 به دو پای اوفتاده اندر بند (باب هفتم: ۱۵۷)
 چو در امضای کاری متردد باشی، آن طرف اختیار کن که بی‌آزارتر برآید (باب هشتم: ۱۷۲)
 نیکبختان به حکایت و امثال پیشینیان پند گیرند از آن پیش که پسینیان به واقعه‌ی ایشان مثل زنند و دزدان، دست کوتاه نکنند تا دستشان کوتاه کنند.

نرود مرغ سوی دانه فراز
 چون دگر مرغ بیند اندر بند
 پند گیر از مصایبِ دگران
 تا نگیرند دیگران به تو پند (باب هشتم، ص ۱۸۷)

۴-۳-۴- نگرش سعدی به علم و عالم

سعدی عمل به علم را از علم آموزی و سخنوری مهمتر می‌داند. در بیتی از قصاید خود گفته است:
سعدیا!

گرچه سخندان و مصالح گویی به عمل کار برآید به سخندانی نیست (سعدی، ۱۳۷۰: ۹۸)
عالمِ متهاون سوار خفته است (باب هشتم، ۱۸۴).

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند: یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر که آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بُود نه دانشمند چارپایی براو کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر که براو هیزم است یا دفتر (همان: ۱۷۰)
یکی را گفتند عالم بی عمل به چه ماند؟ گفت: زنبور بی عسل (باب هشتم: ۱۸۴)

۴-۳-۵- تأکید سعدی بر صفت تواضع

برای سعدی، تواضع از مهم‌ترین فضیلت‌های انسانی به شمار می‌آید؛ تا حدی که نام باب چهارم بوستان را به این فضیلت مزین کرده است: «چهارم، تواضع، رضا پنجمین...» (سعدی، ۱۳۷۲، بیت ۱۱۰) برخی از ابیات اصلی که دربرگیرنده‌ی اندیشه‌ی سعدی درباره‌ی صفت تواضع است، از بوستان وی نقل می‌شود:

زخاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده! افتادگی کن چو خاک
حریرص و جهانسوز و سرکش مباش زخاک آفریدنت آتش مباش...
تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اند اندازدت
به گردن فتد سرکش تندخوی بلندیت باید بلندی مجوی
ز مغرور دنیا ره دین مجوی خدابینی از خویشتن بین مجوی
نشاید بنی آدم خاک زاد که در سر کند کبر و تندی و باد
تو را با چنین تندی و سرکشی نیندارم از خاکی، از آتشی (باب هشتم، گلستان: ۱۷۳)

۴-۳-۶- سعدی و ارزش سخن گفتن

سعدی بارها درباره‌ی ارزش سخن و بجاسخن گفتن، ابیات و عباراتی در گلستان آورده است. به عنوان نمونه چند بیتی از دیباچه‌ی گلستان و دو بیتی از باب هفتم و هشتم نقل می‌شود:

اگرچه پیش خردمند خاموشی ادب است به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
دو چیز طیره‌ی عقل است: دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی (دیباچه: ۵۳)

سخندان پرورده، پیر کهن
 مزن بی تأمل به گفتاردم
 بیندیش و آنگه برآور نفس
 به نطق آدمی بهتر است از دواب
 و یا
 سخن را سر است ای خداوند و بُن
 تا ندانی که سخن عین صواب است مگوی
 میاور سخن در میان سخن
 و آنچه دانی که نه نیکوش جواب است مگوی
 (باب هفتم: ۱۵۹)
 که دانی در کار گیرد سخن (باب هشتم: ۱۷۵)
 بسیخ سخن گفتن آنگاه کن

۴-۳-۷- لزوم پرهیز از کوچک شمردن دشمن

سعدی با هشدارهای فراوانی که درباره‌ی دشمن نقل می‌کند، قصد دارد از مخاطبانش انسان‌هایی هوشیار بسازد: «دشمن چو از همه حیلتی فرو ماند سلسله‌ی دوستی بجنابند وانگه به دوستی کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند» (باب هشتم: ۱۷۴). «دشمنی ضعیف که در طاعت آید و دوستی نماید؛ مقصود وی جز این نیست که دشمنی قوی گردد ... هر که دشمن کوچک را حقیر می‌شمارد، بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد» (همان: ۱۷۱).

۴-۳-۸- مواظب حسادت فرومایگان باشید.

به نظر می‌رسد حسادت، بر اثر قیاس فرد با دیگری زاده می‌شود. سعدی، دارندگان این صفت را به سگان ولگردی مانند کرده است که جرأت نزدیک شدن ندارند: «بی‌هنران هنرمند را نتوانند که ببینند، همچنان که سگان بازاری، سگ صید را، مشغله بر آرند و پیش آمدن نیارند، یعنی سفله چون به هنر با کسی بر نیاید به خبشش در پوستین افتد. کند هر آینه غیبت حسود کوه دست
 که در مقابله گنگش بود زبان مقال» (باب هشتم: ۱۷۸)

۵- نتیجه‌گیری

گلستان سعدی را می‌توان دایره‌المعارفی از نظریه‌های جامعه‌شناسی دانست. سعدی به عنوان یک معلم دلسوز و مهربان که گویا همه‌ی عمر خود را صرف تعلیم و تربیت به جوانان نموده است- در آن ایفای نقش می‌کند. در اجتماعی که او زندگی می‌کرد، بی‌اخلاقی‌ها و خیانت‌ها به اوج خود رسیده بود اما

او راه خود را می‌رفت؛ یعنی آسیب‌ها و دردهای اجتماع را می‌شناخت و بر روی آن مرهم می‌گذاشت. سعدی با نهایت دقت، موضوعات اخلاقی - انسانی را با حلاوتی خاص به رشته‌ی نظم و نثر کشیده است. سه مقوله‌ی تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُلک همواره مدّ نظرش بود و گویا او برای هدایت جوانان جامعه‌اش به سوی سعادت و رستگاری از هیچ‌پند و اندرزی به سادگی نگذشته است. در دوباب آخر گلستان بیش از نود مورد پند اخلاقی به جوانان دارد، که به برخی از مهمترین آنها در این پژوهش اشاره شده است. تمام تلاش سعدی این است؛ انسانی پاک با روحی آرام به جامعه تحویل دهد. سعدی، آرایش بیان را با آرامش روان آمیخته و به همگان هدیه نموده تا به راحتی بتوانند از میوه‌ی گلستانش بهره ببرند. سعدی در گلستان، حکیمی است که از بیرون به جهان می‌نگرد و نگاه او نگاهی رئالیستی است. جهان را آن گونه که هست به مخاطب نشان می‌دهد نه آن گونه که باید باشد. در این نگرش، زشت و زیبا در کنار هم قرار گرفته و بازنمونی از جامعه‌ی گذشته، حال و آینده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۲- دشتی، علی، (۱۳۵۶)، در قلمرو سعدی، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
- ۳- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوم.
- ۴- ریترز، جورج (۱۳۹۲) نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن محلّاتی، علمی، تهران، چاپ چهاردهم.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۳)، باکاروان حلّه، انتشارات علمی، تهران، چاپ ششم.
- ۶- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹)، گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، چاپ دوم.
- ۷- _____، _____، (۱۳۷۱) گزیده گلستان، شرح حسن انوری، انتشارات علمی، تهران.
- ۸- _____، _____، (۱۳۷۲) بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، نشر خوارزمی، تهران، چاپ چهارم.
- ۹- _____، _____، (۱۳۷۰)، گزیده قصاید سعدی، شرح جعفر شعار، نشر علمی، تهران، چاپ دوم.
- ۱۰- کمیسیون ملی یونسکو، (۱۳۶۴)، ذکر جمیل سعدی، جلد ۳، نشر وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۱- کوئن، بروس (۱۳۷۸)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۲- کوثری، مسعود (۱۳۷۹)، تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۴- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم.
- ۱۵- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱) چشمه روشن، انتشارات علمی، تهران، چاپ چهارم.